

عنوان مقاله:

طراحی مناظر شهری در راستای بهره گیری از روانشناسی محیطی

محل انتشار:

کنگره بین المللی تحولات نوین پایداری در معماری، شهرسازی، عمران و مهندسی ساختمان (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

سهیلا صادقی - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه خزر محمودآباد

احمدرضا کشتکارقلاتی - دکترای معماری منظر و مدرس دانشگاه

خلاصه مقاله:

در دوران معاصر طراحی شهری به عنوان حرفه و دانشی مطرح شده است که از پوسته صرفا طراحانه خود خارج شده، ضمن دربرگیری ابعاد وسیعتری از مسایل محیطی به پیامدهای اقدامات طراحانه نیز توجه داشته و به علوم وسیع تری تکیه کرده است در میان این دانشها به طور کلی علوم رفتاری و به طور خاص روانشناسی محیطی دانشی است که ظهور و کاربرد آن در طراحی شهری قابل توجه است. معماران و طراحان شهری امروزه توجه ویژه‌ای به شناخت روان شناسانه رفتارهای انساندارند. زیرا اینگونه رفتارها با محیط کالبدی ارتباط تنگاتنگی دارند. آنچه روانشناسی محیطی را از سایر شاخه‌های روانشناسی مجزا میسازد، همانا بررسی ارتباط رفتارهای متکی بر روان انسان و محیط کالبدی است. لذا توجه طراحان به بررسی روان شناختی فضاهای طراحی شده پیوندی ناگسستنی بین روان شناسان محیطی و آنها ایجاد کرده است. روان شناسان محیطی نیز خود را ملزم به پژوهش در رفتار انسان در محیط روزمره‌اش ساخته اند تا بتوانند تاثیرات محیط کالبدی را به گونه ای مستقیم و یا غیر مستقیم بر رفتار انسان بررسی نمایند. برای اینکه محیط های طراحی شده از لحاظ روانی سالم باشند، باید بتوانند نیازهای اساسی انسان ها را برآورده سازند. این نیازها به نظر مازلو دارای سلسله مراتب هستند. نیازهای زیستی و جسمی پایه این سلسله مراتب را تشکیل داده و نیازهای روانی پیچیده تر راس آن را می سازند. افراد به دلیل دارا بودن این نیازهای اساسی سلسله مراتبی، از محیط خود دو نوع انتظار دارند؛ اول افراد می خواهند که صحنه ها خوانا و قابل درک باشند و از این طریق نیاز به ایمنی و امنیت کاربر را برآورده سازند. دوم افراد میخواهند که صحنه ها موقعیتی را برای دخالت دادنافراد در آنها فراهم کرده، به این ترتیب نیاز فرد به جستجو و انگیزش خود برای فعالیت برآورده شود. مشاهدات فضاهای خلقشده در کشورهای غربی نشان داده است که لزوما توجه به کالبد و شکل بدون توجه به محتوی، عملکرد مورد نظر، افراد ذینفع، نحوه تعاملات اجتماعی در آنها و از همه مهمتر نیازهای انسانی در آنها، فضای مطلوبی ایجاد نمی کند. استفاده کم، خرابکاریدر محیط، وجود جرم و جنایت و یا ترس از آن عامل های مهمی در عدم مطلوبیت محیط های شهری محسوب می شوند. مشارکت مردم با معماران منظر در طراحی، مزایای فراوانی دربردارد؛ این روش می تواند طراحان منظر را با دیدگاه ها و سلیقه های مردم که در واقع استفاده کنندگان فضا و منظر هستند آگاه سازد و اطلاعات مناسبی را برای ارزیابی پیرامون مکاناز راه بررسی های محلی فراهم کند. همچنین فرایند مشارکتی فرصت مناسبی برای ایده های تازه فراهم می آورد. در هر حال طراحی برای مردم است. بنابراین، باید دانست آنان چگونه فکر می کنند، به چه چیزی نیاز دارند، چه می خواهند و چگونه می توان حضور آنان را در فضای مورد طراحی تضمین نمود. در این مقاله بعد از طرح فرضیات، به مباحث روانشناسی محیط در رابطه با موضوع و سپس با بیان مطالبی مربوط به فرضیات، در نهایت نتیجه گیری از نوشتار پرداخته شده است.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/575692>



